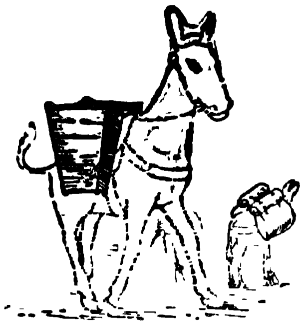
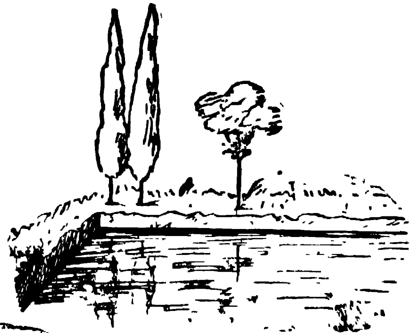
 

آب   بار

آ ب   با ر

آ ب   بـا ر

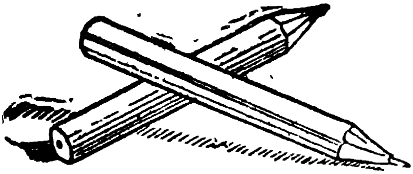
آ   ا   ب   ـبـ   ر

آب   بابا   بار   با   آب

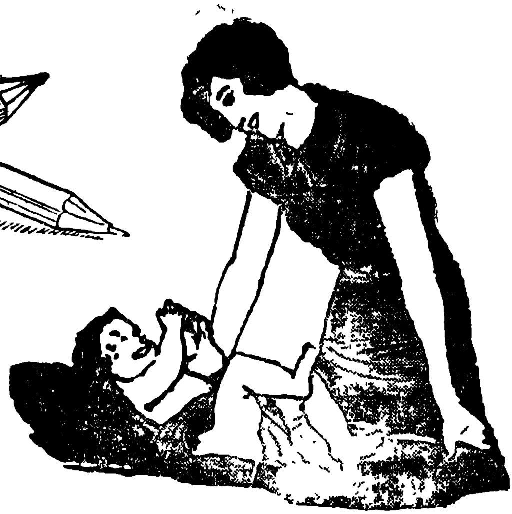
تکلیف : از روی سطر های ۲ و ۳ و ٤ با مداد بنویسید (۱)

---

(۱) در کلاس اول از استعمال مرکب و جوهر و قلم خود داری شود .



مداد



ماما



بادام

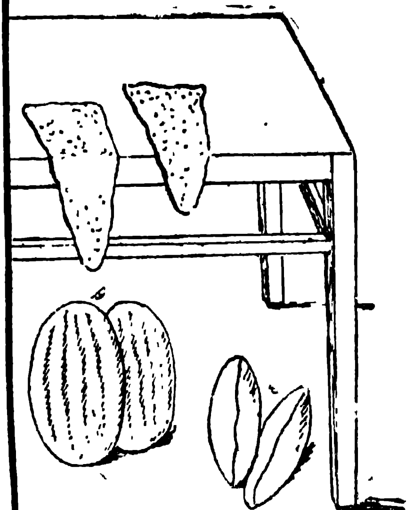
ماما   بادام   مَداد

ما ما   با دام   مَ دا د

م   ـمـ

ماما نان دارد   ماما نان داد   بابا مداد دارد

بابا مداد داد   من بادام دارم



نان



انار



دندان

نان اَنار دَندان

نان اَنار دَندان

ن نـ د اَ دَ

بابا آب داد بابا نان داد بابا انار داد

دارا دندان دارد بابا دندان ندارد

تذکر: در هر درسی با مداد از روی خطوط تحریر نوشته شود.

آن زن در را زد　　　آن زن از در آمد

ان آدم آمد آنار داد　　آن مرد آمد نان داد

من آمدم مداد دادم　　　دارا آمد بادام داد

من دندان دارم　　　　دارا دندان دارد

آن مرد دندان ندارد

تکلیف ــ این حرفها واین کلمه ها را با خط خوب و با مداد بنویسید

آ ا　ب بـ　ن نـ　م مـ　ر　ز　د

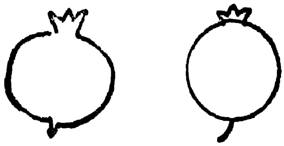
آب　بابا　نان　دندان　دارد　مرد　زن

نقاشی ــ از پیش خود شکل میوه هائی راکه دوست دارید بکشید .

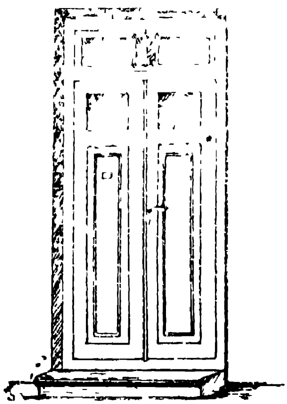
دارا بادام ندارد   من آمدم بادام دادم

دارا آمد انار داد

نقاشی - از روی این شکلها بکشید.



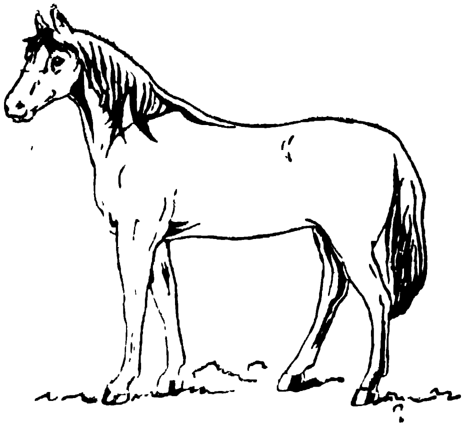
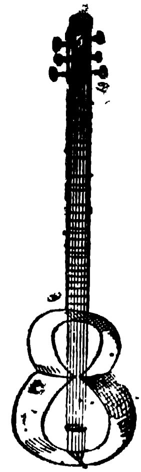
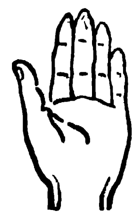




زن   مرد   در

زَن   مَرد   دَر

زَن   مَرد   دَر

دست تار اسب

دَ ست   تا ر   اَ سب

دَ ت   تا ر   اَ ب

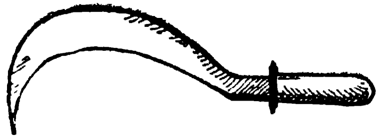
دَ ت   تا ر   اَ ب

ت   ـتـ

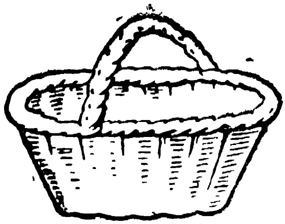
آن دست است   آن تار است   آن اسب است

اسد تار دارد   آن اسب بار ندارد   اسد تار زد

آن مرد تار ندارد   آن مرد تار نزد



داس



سبد

داس   سَبَد

دِاس   سَبَد

داس   سَ بَ د

س

آن مرد داس دارد   آن مرد داس ندارد

آن مرد سبد دارد   آن مرد در سبد انار دارد

آن مرد زن دارد   آن مرد زن ندارد

من ساز زدم   اسد ساز نزد

تکلیف: این حرفها و این کلمه ها را چند بار بنویسید و بخوانید؛

س   ـسـ   م   ن   ب   د   ز

سر   باز   سرباز   ساز   سبد   اسد

بال　　لب　　باز

ب ا ل　　ل ب　　ب ا ز

ل　　ر

آن بال است　　آن لب است　　باز بال دارد

آدم بال ندارد　　آدم دست دارد　　باز دست ندارد

من دست دارم　　من بال ندارم

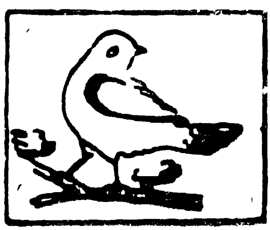
تکلیف - این کلمات را بخوانید وچند بار بامداد و باخط تحریر بنویسید:

لال　　مال　　سال　　بال　　بالا　　لب　　لباس



شکل های مرموز (۱)



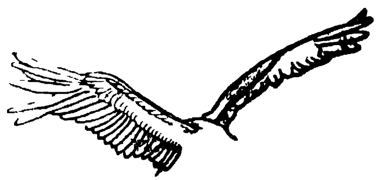


(۱) در شکل های مرموز یکی از حروف پنهان است نوآموزان آنرا پیدا کنند.

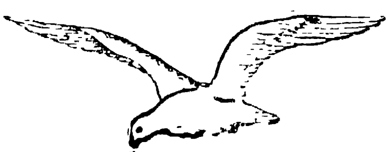
تکالیف - این حرفها و این کلمه ها را بنویسید و بخوانید:

ت تـ ب بـ م مـ ن نـ ر د ت

تاب تار دست تن تب تر باز



بال



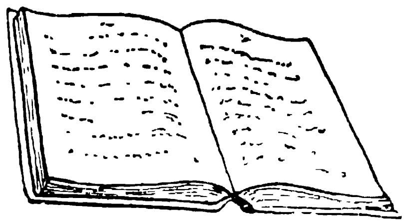
باز

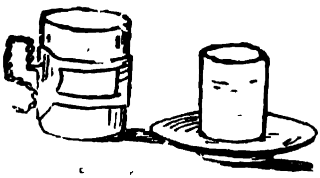


لب

تکلیف ـ این کلمات را بخوانید و چند بار با مداد و با خط تحریر بنویسید :

کرم   اکرم   کباب   کبک   اکبر





کتاب   استکان

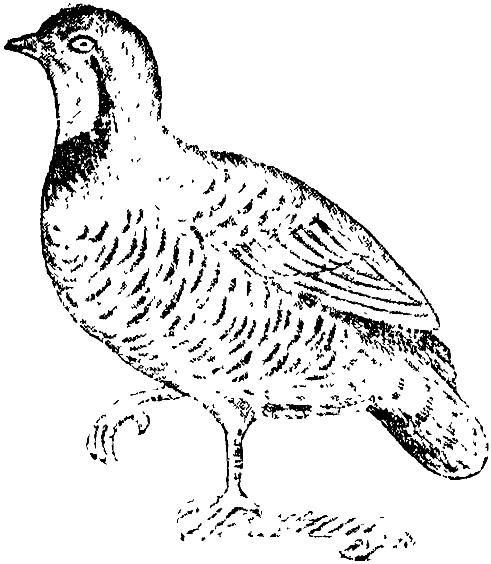
کتاب   استکان

کتاب   استکان

ک ک ک   ا سـکـ

آن کتاب است   آن استکان است

آن استکان مادر است   آن استکان بابا است



کبک

کبک   کـ بـ ک

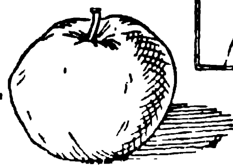
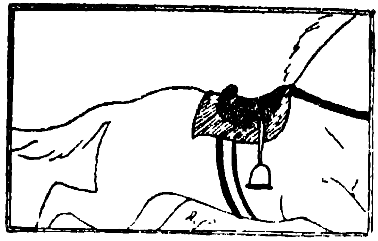
ک   کـ

آن کبک است کبک بال دارد اسب بال ندارد

اکبر کبک دارد اکرم کبک ندارد

اکرم آمد کبک را نان داد

اکبر آمد اسب را آب داد

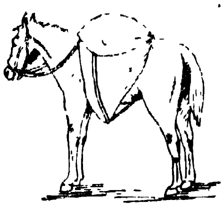
زین سیب ایران

زین سیب ایران

زین سیب ایران

ی ـیـ ایـ

این اسب است این زین اسب است این سیب است



نام این زن ایران است

این اسب باری است

این اسب بار میبرد

ایران سیب دارد کامران سیب ندارد

ایران بکامران سیب داد

آن استکان مال من است

آن کتاب کامران است　　　آن کتاب من است

کتاب من در دبستان است　　درس من آسان است

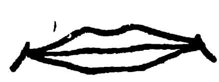
من درسم را از بر دارم

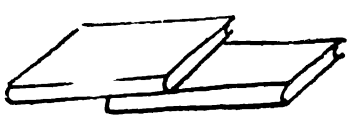
تکلیف - این کلمه ها و جمله ها را چندین بار بخوانید و بنویسید:

کار　　کال　　کامل　　کتاب　　کبك　　کامران

آن کتاب است　　من کار کردم　　کامران کار کرد

۱ - **نقاشی** از روی این شکل ها بکشید و نام هریك را در زیرش بنویسید:

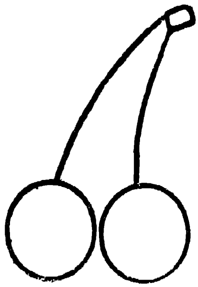


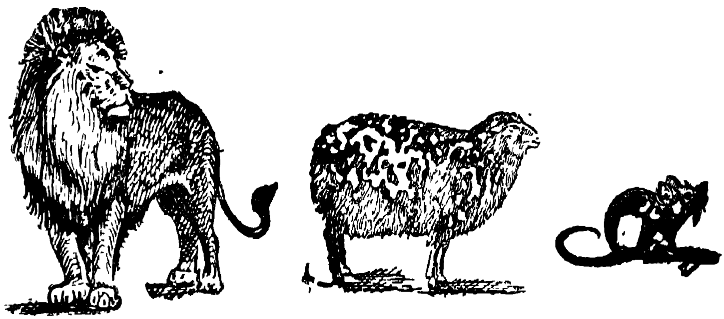


۲ - شکل چند استکان بکشید

او توت را دوست ندارد مادرم بمن آلوبالو داد
من آلوبالو را بتوران دادم

نقاشی – این آلوبالو ها را بکشید و رنگ کنید





موش میش شیر

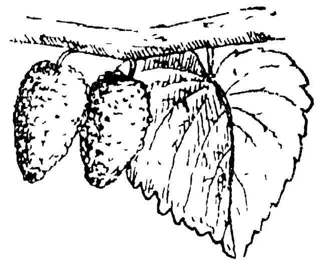
موش میش شیر

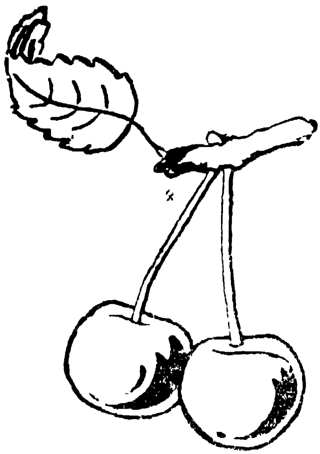
موش میش شیر

ش ـشـ ـش ش

تکلیف ـ این کلمه ها را چند بار بنویسید.

سیب تیر سیر این زین ایران





توت   آلوبالو

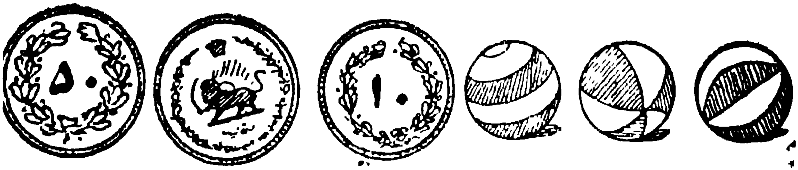
توت   آلوبالو

توت   آلوبالو

و   او

این توت است   این آلوبالو است

من توت را دوست دارم   من آلوبالو را دوست ندارم   توران آلوبالو را دوست دارد

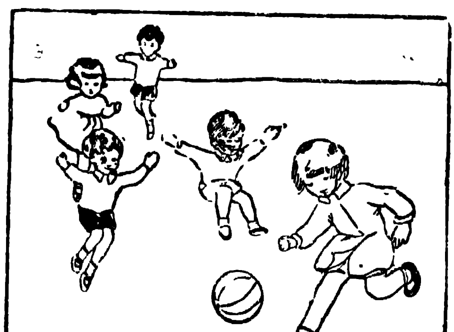


توپ پول

توپ پول

توپ پول

ـپ پـ



توپ بازی

من توپ بازی را دوست دارم من توپ نداشتم

دست پیرمردی توپی دیدم من باو پول دادم

این شکل موش است   این شکل میش است

آن شکل شیر است

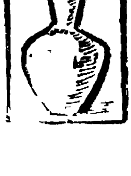
موش ترسو است   شیر ترسو نیست

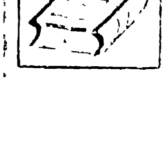
میشی در دشت بود شیری را دید میش از ترس
شیر ایستاد شیر آمد او را درید اکبر شیر را دید
اکبر از شیر نترسید اکبر شیر را با تیر زد

نقاشی - از روی این شکل بکشید









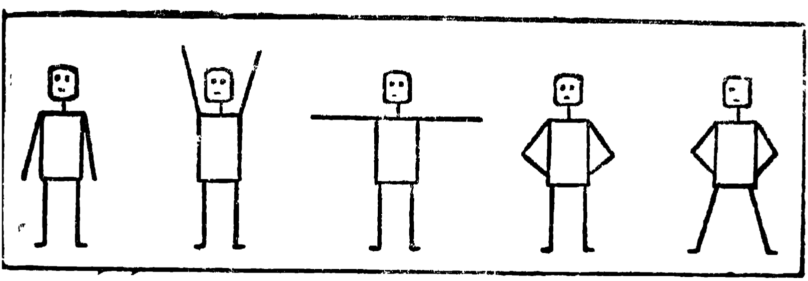
شکلهای مرموز

من دواتم را باو دادم پرویز درسش را نوشت
پس از آن دوات را بمن پس داد.

تکلیف ـ این کلمه ها و جمله ها را چند بار با مداد بنویسید.

دوات ـ پرویز ـ پرویز درسش را نوشت
من درسم را می نویسم.

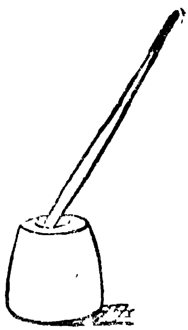
نقاشی ـ از روی این شکلها بکشید.



ورزش ـ مانند شکلهای بالا ورزش کنید

او بمن توپ داد   شاپور من را دید
شاپور پیش من آمد   با توپ من بازی کرد

نقاشی ـ چند شکل توپ بکشید و آنها را رنگ آمیزی کنید :

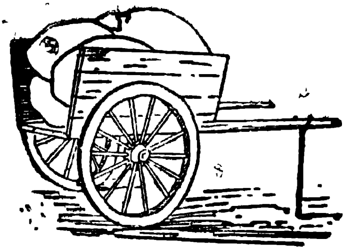


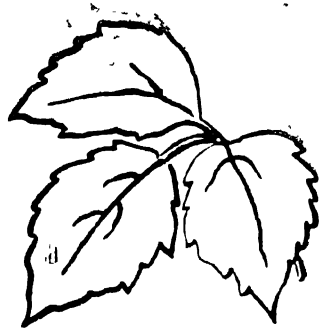
دوات

دَوات   دَ و ا ت

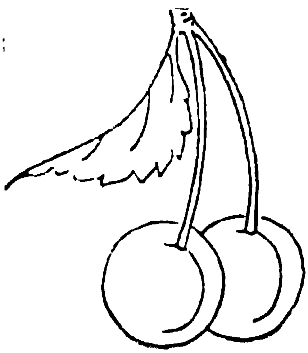
و

آن شکل دوات است روزی من دردبستان بودم
درسم را مینوشتم   دیدم پرویز دوات ندارد





برگ گاری



گیلاس

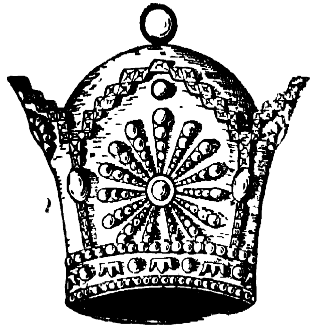
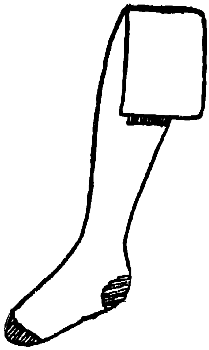
برگ گاری گیلاس

برگ گاری گیلاس

ـگ گـ گ

آن شکل گاری است آن شکل برگ است

این شکل گیلاس است

تاج　　　جوراب

تاج　　　جوراب

تاج　　　جوراب

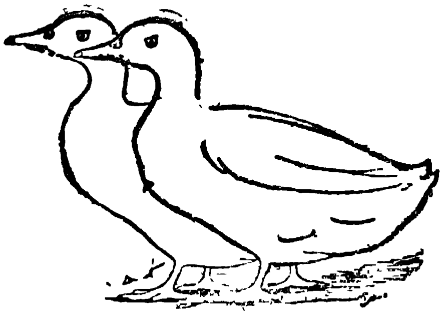
ج　　　ج

این شکل تاج است　این شکل جوراب است
جمشید برادر من است　او دیروز پیش من آمد
او شکل تاج کشید　من شکل جوراب کشیدم

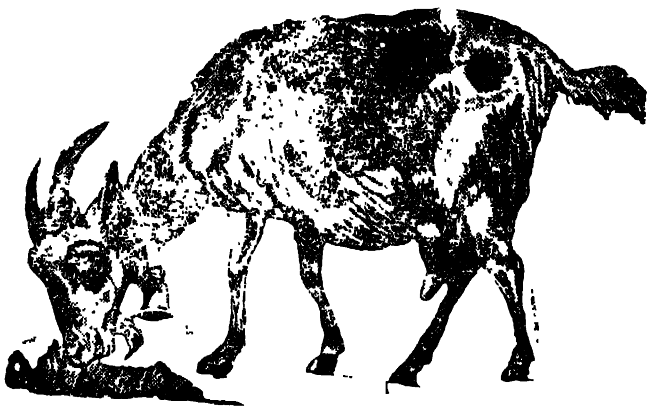
نقاشی ـ شکل جوراب بکشید ورنگ کنید .

تکلیف ـ این کلمه ها وجمله ها را چند بار با مداد بنویسید :

تاج　باج　کاج　جوراب　جوش　جمشید



اردك



بز

اُرْدَک

اُ رْ دَ کْ

بُزْ

بُ اُ

این شکل اردك است   این شکل بز است

من رنگ گیلاس را دوست دارم پدر

من رنگ آلبالو را بیشتر دوست می دارد

من دیروز در دبستان شکل کشیدم و با مداد

شکل گیلاس و آلوبالو کشیدم و با مداد

رنگی رنگ کردم.

تکلیف – این کلمه ها و این جمله را چند بار بنویسید

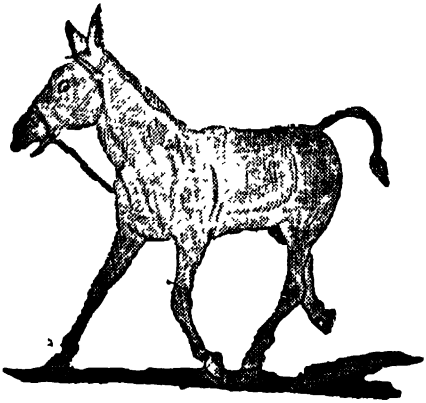
رگ برگ رنگ زنگ گاو گاری

گل گیلاس گرفت

من برگ را کشیدم و رنگ کردم

نقاشی – از روی این برگها بکشید و رنگ آمیزی کنید.









شاخ خر

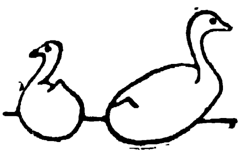
شَاخ خَر

شَاخ خَر

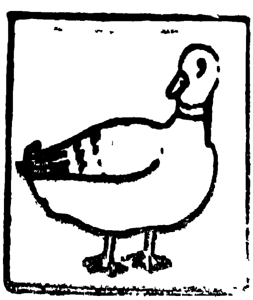
خ خُ

این شکل خُر است   این شکل شاخ است
خر جانور خوبی است   برادر خاور خُری داشت
روزی خاور را سوار خُر کرد   او را بگردش برد
پس از آن بمنزلشان برگشتند

من بز را از اردك بیشتر دوست دارم اردك
با من بازی نمی کند ولی بز با من بازی میکند
من با بز بازی می کردم من می دویدم
او نیز پشت سر من می دوید



نقاشی – از روی این شکلها بکشید :



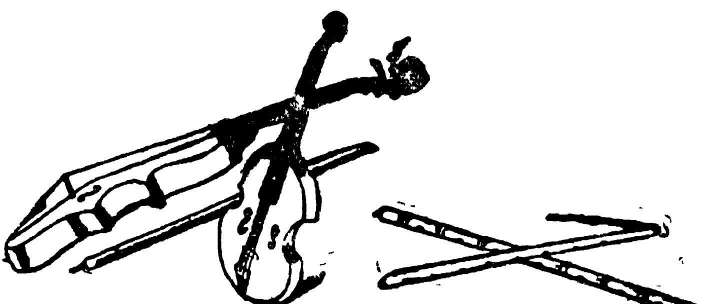
شکل مرموز

تکلیف ـ این کلمه ها و جمله ها را چند بار بنویسید

قاب قاشق ساق پا قلم بشقاب تقی نقی

مشق قاشق آش خوری خوراك خوب

من سیب خوردم او گلابی خورد.



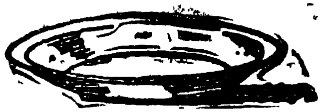
نی ویلن

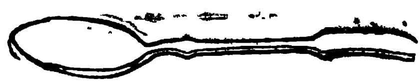
نی ویلن

نی ویلن

ی ی

آن شکل نی است آن شکل ویلن است





قاشق   بشقاب

قاشُق   بُشقاب

ق ا شُ ق   بُ ش ق ا ب

ق   ق   ق

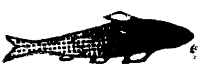
این شکل قاشق و این شکل بشقاب است
آن قاشق آش خوری است (۱)
با قاشق آش خوری آش می خورند و در
بشقاب خوراك می خورند دیروز خوراك ما
آش و آبگوشت بود ما پس از خوراك سیب
و گلابی خوردیم.

---

(۱) کلمات خوری - خوراك - خوردن و .... را بطوری که تلفظ میشود بیاموزند.

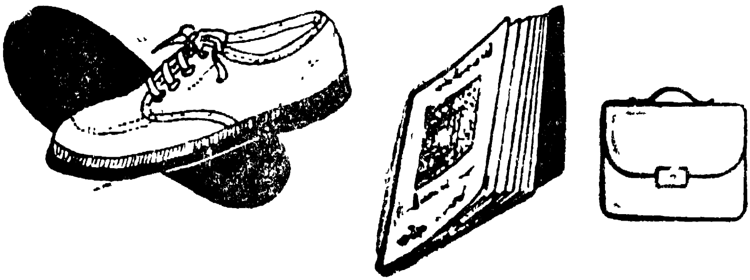
من دو دفتر و شش مداد رنگین دارم
من امروز دوات و دفتر و قلم و مداد و
کتابم را در کیف جا دادم و بدبستان رفتم
در آنجا کتاب و دوات و قلم و دفتر را از کیف
در آوردم و مشقم را نوشتم آموزگار بما
درس داد من درسم را زود یاد گرفتم





ماه	**ماهی**
ما ه	ما هی
ما ه	ما هی
[illegible]	[illegible]

من یک نی دارم   یونس یک ویلن دارد
یونس ویلن را خوب می زند   من بلد نیستم
ویلن بزنم   ولی نی را خوب می زنم   من ویلن
زدن را از یونس یاد می گیرم



کیف   دفتر   کفش

کیف   دفتر   کفش

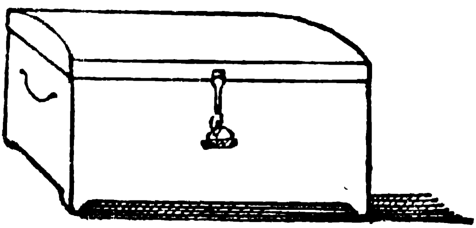
کیف   دفتر   کفش

ف   ف   ش

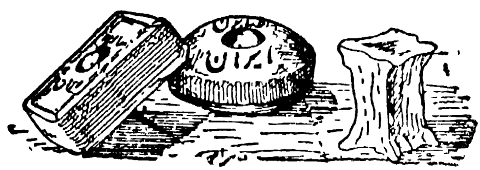
آن شکل کیف است   این شکل دفتر است
این شکل کفش است

تکلیف - این کلمه ها و جمله ها را چند بار بنویسید :

ماه شاه راه هم هر هادی مهر مهین به
ته لاله ما شاه را دوست داریم هادی از
این راه رفت راهها بد است.



صندوق



صابون

صندوق صابون

صـ نـ د و ق صـ ا ب و ن

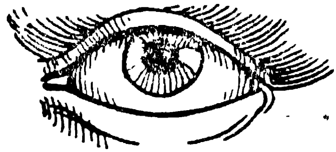
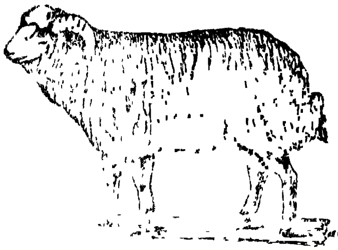
ص صـ

این شکل صابون است این شکل صندوق است



شب مهتاب

دیشب شب مهتابی بود ماه در آسمان میدرخشید من و مهین آسمان و ماه را تماشا میکردیم در آب استخر هم ماه را میدیدیم راستی خیلی قشنگ بود خوشی آن شب را هرگز فراموش نمي کنم.

چشم　　　قوچ

چـشـم　　　قـو چ

چـ شـ م　　　قـ و چ

چ　　　چـ

قوچ دو چشم و دو گوش و دو شاخ دارد
میش و قوچ هر دو گوسفند هستند گوسفند نر را
قوچ گویند گوسفند و بز و گاو از جانوران
خانگی هستند .

از شیر گاو و بز و گوسفند سر شیر و پنیر
و ماست درست می کنند گوشت بز و گاو
و گوسفند را می‌خورند از پوست گاو چرم

من هر روز دست و صورت خود را با آب و صابون می شویم و لباس و کفش خود را پاك نگاه میدارم هر روز وقتی از دبستان برمی گردم کت و شلوارم را با ماهوت پاك کن تمیز می کنم و بمیخ آویزان میکنم و یا در صندوق مخصوصی قرار میدهم

تکلیف - این کلمه ها و جمله را چند بار با مداد و باخط تحریر بنویسید.

صابون صندوق مخصوص صورت
ماهوت پاك کن او لباسش را تمیز می کند

نقاشی - این شکلها را بکشید





کاردستی - شکلهای بالا را روی کاغذ رنگی بکشید و دور آنها را ببرید:



شکل مرموز





مرغ　　　خروس

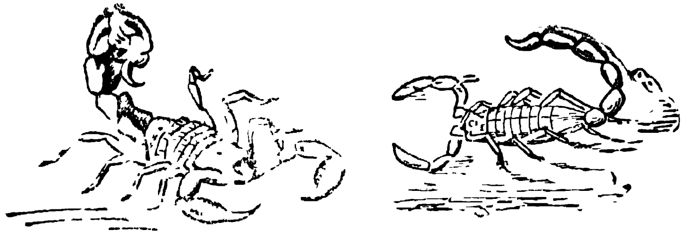
شغال　تیغ　مُرغ　خُروس

شغال　تیغ　مُرغ　خُروس

غـ　ـغـ　غ　ـغ

آن شکل غوك و آن شکل تیغ و آن شکل مرغ و آن شکل خروس است.

غوك هم در آب زندگی می کند هم در



کژدم

کَژدُم کَ ژ دُ م

آن شکل کژدم است کژدم در جا های
نمناك و در بیابان زیر سنگها زندگی می کند
کژدم هشت پا و یك دم و دو شاخك دارد
کژدم دو قسم است سیاه و زرد کژدم
آدم را نیش می زند و گاهی او را هلاك می کند

خشکی شغال جانور بیابانی است و مانند روباه
در بیابان زندگی می کند.

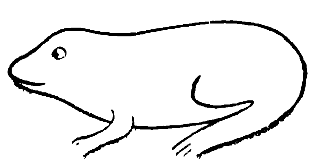
مرغ و خروس از مرغان خانگی هستند
گوشت مرغ و خروس را می خورند و از پر آنها
بالش درست می کنند شغال مرغ و خروس را
می گیرد و می‌خورد.

با تیغ مردها روی خود را می تراشند تیغ
خیلی تیز است بآن دست نزنید دست شما را
می برد.

تکلیف - این کلمه ها و این جمله ها را چند بار با خط خوب و بامداد بنویسید :

شغال تیغ مرغ غوك مرغ خانگی
تیغ تیز است تیغ دست را می برد

نقاشی - از روی این شکل بکشید :

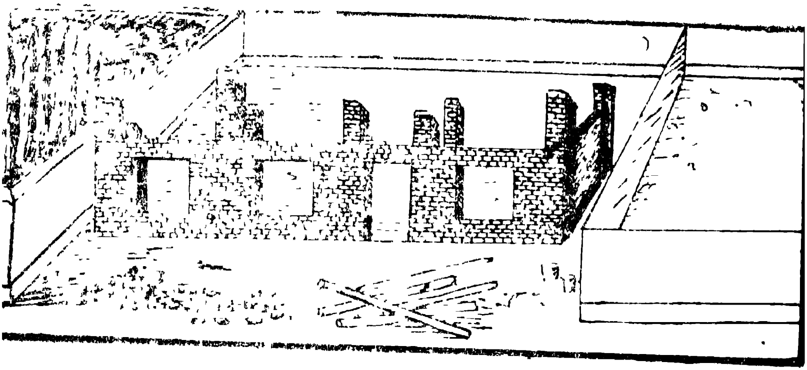


ۀ = ه = ی

خانه پرویز در ده است خانۀ من
در شهر است پرویز بمن نامهٔی نوشت
نامه او بمن رسید من بنامه او جواب دادم.

نقاشی — از روی این شکلها [illegible]





خانه

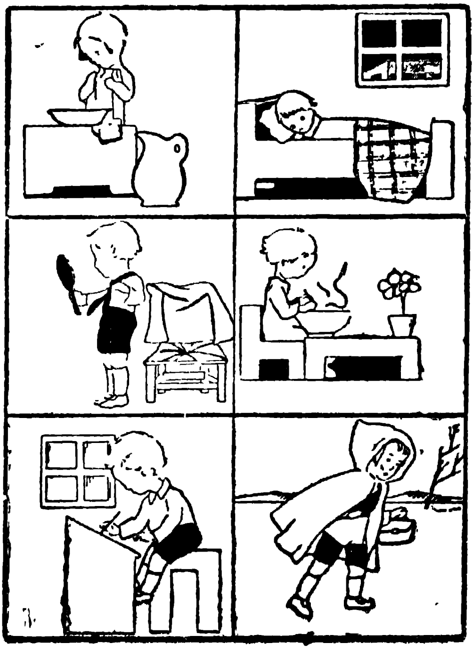
ه = ا

د = أ

آن خانه است آن خانه را تازه می سازند
هنوز کار آن خانه تمام نشده و در آن کار می کنند
آن خانه یك در و سه پنجره دارد نزدیك آن
خانه باغچه ئی است .

روزی با منیژه بباغچه رفتم در آن باغچه
گلهای رنگارنگ کاشته شده بود باغبان از آن
گلها چید یك دسته بمن و یك دسته بمنیژه داد

ح ، حـ ـحـ ـح



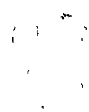
کودك با ادب

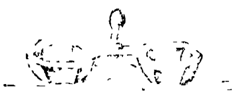
نام این کودك رحیم است رحیم با ادب
ونظیف است هرروز صبح دست وصورت خود
را می شوید و بر پدر و مادر خود سلام می کند
و پس از چای خوردن با پدر و مادر خدا حافظی
میکند و با دل شاد بدبستان میرود.





قندان　　　　لیوان





نمکدان　　　　گلدان

ظرف

ظ = ز

ظرفها

من نام این ظرفها را میدانم　این لیوان و آن
قندان است　این نمکدان و آن گلدان است
لیوان ظرف آبخوری　　و قندان ظرف قند
و نمکدان ظرف نمک و گلدان ظرف گل است
در خانهٔ ما مادر من ظرفهای خوراك خوری
را همیشه پاکیزه و نظیف نگاه میدارد.

پزشک باو گفته است تو سرما خورده ئی
زیرا پس از ورزش و بازی که تنت گرم بوده
آب سرد خورده ئی حالا این دوا ها را بخور
پس از یک هفته حالت خوب میشود.

تکلیف ـ این کلمه ها وجمله ها را چند بار بنویسید

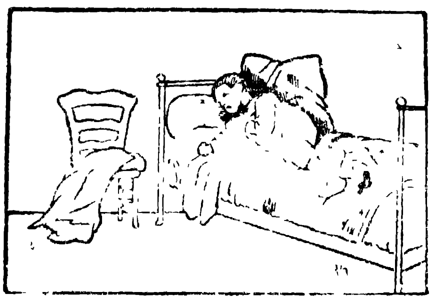
مرض مریض ضرر رضا راضی
رضا مریض است آموزگار از رضا راضی است
این کار ضرر دارد آن کار ضرر ندارد.

تکلیف ـ این کلمه ها وجمله ها را چند بار بنویسید .

رحم رحیم رحمت احمد حمید صبح

رحیم نظیف و تمیز است او از پدرش

خدا حافظی میکند .

مریض  رضا

مریض رضا

م ر یض ر ض ا

ضـ ، ض = ز

این پسر مریض است و نام او رضا است

رضا سه روز است مریض شده و بدبستان

نرفته است پزشک آمده و باو دوا داده است

بسبب این مهربانی همه آنها را دوست می دارند.

تکلیف ـ این کلمه ها را چند بار با مداد و باخط تحریر بنویسید:

خواب خوار خوانا خواهر خواندن

خواهش خواستن رختخواب تختخواب

روز های هفته

یك هفته هفت روز است روز شنبه دبستان باز می‌شود کودکان بدبستان می روند و شش روز درس می خوانند روز جمعه دبستانها بسته است و روز استراحت است.

نام روز های هفته را من در دبستان یاد گرفته ام:

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه

پنج شنبه جمعه

پرسش ـ امروز چه روزی است؟ دیروز چه روزی بود؟ فردا چه روزی است؟ چه روز هایی بدبستان می‌آیید؟ چه روزی تعطیل است؟ درروز جمعه چه کار می کنید؟ چه روزی استراحت میکنید؟



خواهر

وا = ا

خواهر و برادر

این دختر و این
پسر باهم خواهر و
برادرند یکدیگر
را خیلی دوست
می‌دارند هر روز
صبح با هم از
خواب بیدار می
شوند و با هم
چای میخورند و
باهم بدبستان می
روندو باهم درس
می‌خوانند هرچه
این ندارد از آن
می گیرد و هرچه آن ندارد از این می گیرد





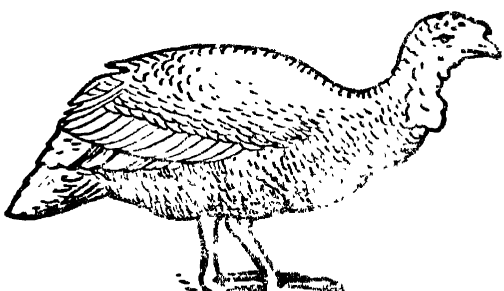
طوطی

طاوس

ط = ت

طاوس و طوطی

روزی در جنگل
طوطی ئی نقل
میگفت ـ



ـّـ (تشدید)

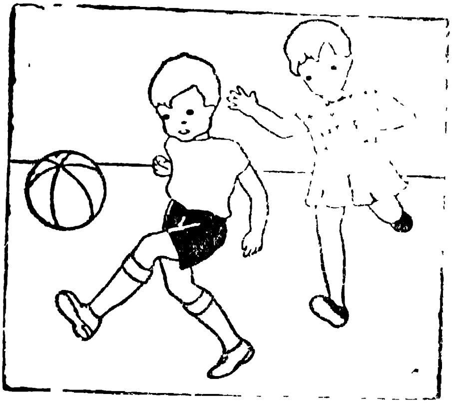
هریك از مردم صاحب کاری است یکی نجّار ، یکی بزّاز ، یکی بنّا ، یکی حمّال یکی قصّاب ، یکی کفّاش است

نجّار صندلی و میز و پنجره درست میکند بنّا خانه میسازد بزّاز پارچه میفروشد حمّال بار میبرد قصّاب گوشت میفروشد و کفّاش کفش میدوزد .

تکلیف ـ این کلمه ها و جمله ها را چند بار بنویسید

قصّاب حمّال بزّاز بقّال کفّاش

نجّار میز و صندلی میسازد کفّاش کفش میدوزد



ثریا و کیومرث

ث = س

ث ث

ثریا و کیومرث خواهر و برادرند
روزی در دبستان پس از توپ بازی
دستشان را می شستند آموزگار پرسید
چه شده است که دستتان را می شویید؟
گفتند توپ بازی میکردیم کثیف شده بود
اگر نمی شستیم ممکن بود ناخوش بشویم

پرسش – ثریا و کیومرث پس از توپ بازی چه می کردند، آموزگار چه گفت، آنها چه جواب دادند، – آنها کودکان پاکیزه بودند یا نه، چرا، – شما چه وقت دستتان را میشویید، پیش از غذا خوردن چرا دستتان را می شویید؟

مرغان دیگر هم آرام نشسته بگفتار او گوش میدادند بوقلمون پیش طاوس رفت و گفت ای طاوس با این همه قشنگی که داری چرا مانند طوطی حرف نمیزنی؟ طاوس گفت من چیزی یاد نگرفته ام که بتوانم برای شما نقل کنم بهتر است که ساکت باشم.

تکلیف ـ این کلمه ها و جمله ها را چند بار بنویسید :

طوطی طاوس طاق اطاق خط طفل

این اطاق بزرگ است خط رضا خوب است

احمد طفل خوبی است.

تکلیف ـ این کلمه ها و جمله ها را چند بار بنویسید .

آذر آذر ماه ذلیل لذت لذیذ کاغذ

این غذا لذیذ است این کاغذ سفید است

آذر دختر خوبی است .

و يْ = ای

خویشان

کسی را که با انسان آشنایی ندارد بیگانه میگویند کسی را که با انسان آشنایی نزدیک دارد دوست میگویند اما خاله و خاله زاده و دختر عمه و پسردایی و مانند آنها را خویشان میگویند .

من خویشان خود را خیلی دوست می دارم

تکلیف ـ این کلمه ها و جمله ها را چند بار بنویسید

خویش خویشان دایی خاله عمو عمه

من عمویم را دوست دارم دختر خاله یی دارم که بمن مهربان است .

ذ

ذ = ز



آذر و شخص کور

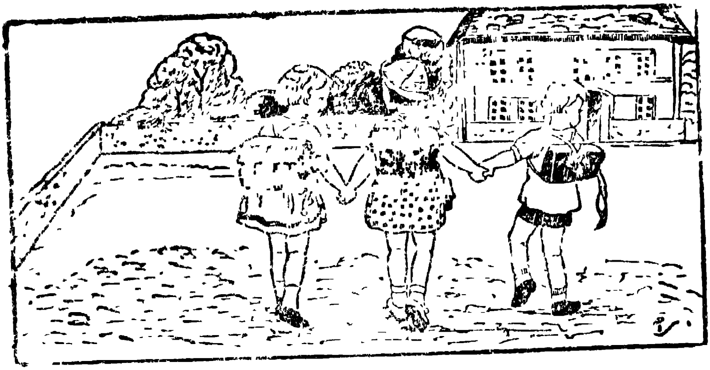
نام این دختر آذر است آذر دختر مهربانی است همیشه باشخاص ذلیل و بیچاره کمک می‌کند و از این کار لذت می برد.

روزی در سر راه خود شخص کوری را دید دلش بحال او سوخت از نانی که در کیف داشت مقداری در آورد و باچند شاهی پول باو داد.

حروف الفبا

ما تا امروز حروف را باصدای آنها شناختیم امروز باید نام آنها را بترتیب بخوانیم و از بر کنیم.

ا	ب	پ	ت	ث
الف	ب	پ	ت	ث
ج	ح	خ	چ	د
جیم	ح	خ	چ	دال
ذ	ر	ز	ژ	س
ذال	ر	ز	ژ	سین
ش	ص	ض	ط	ظ
شین	صاد	ضاد	طا	ظا



ع ء دبستان ع ء

این حیاط دبستان است حیاط دبستان وسیع است.
شاگردان دبستان ما همه بچه های معقول هستند
هر روز در زنگهای تفریح بازی میکنند هیچوقت
با هم نزاع نمی کنند وقتیکه زنگ میزنند با نظم
بکلاس میروند درسهای آموزگار را خوب
گوش میدهند و او را از خود راضی میدارند.

مشق ـ این کلمه ها و جمله ها را چند بار بنویسید

نزاع عاقل ساعت عقل شعاع

وسعت وسیع معقول

این بچه ها نزاع نمی کنند حیاط وسیع است

این بچه عاقل است حالا ساعت پنج است.

شکلهای مرموز



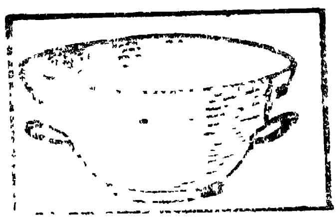
نقاشی ـ ۱ـ از روی این شکل بکشید و رنگ آمیزی بکنید :

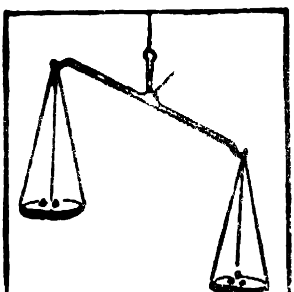


۲ ـ ازروی شکلهای بالا هر کدام را دوست دارید بکشید

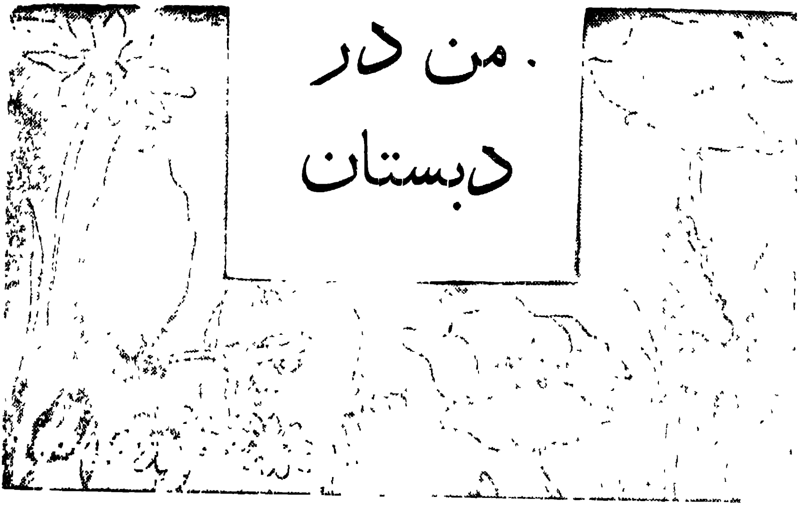
ع	غ	ف	ق	ک
عین	غین	ف	قاف	کاف
گ	ل	م	ن	ه
گاف	لام	میم	نون	ه
و	ی			
واو	ی			

حرکات : آ او ای اَ اِ اُ





شکلهای مرموز



من در دبستان

بلبل با گلها   من با رفیقان
میکنم بازی   دلشاد و خندان
او در گلستان   من در دبستان

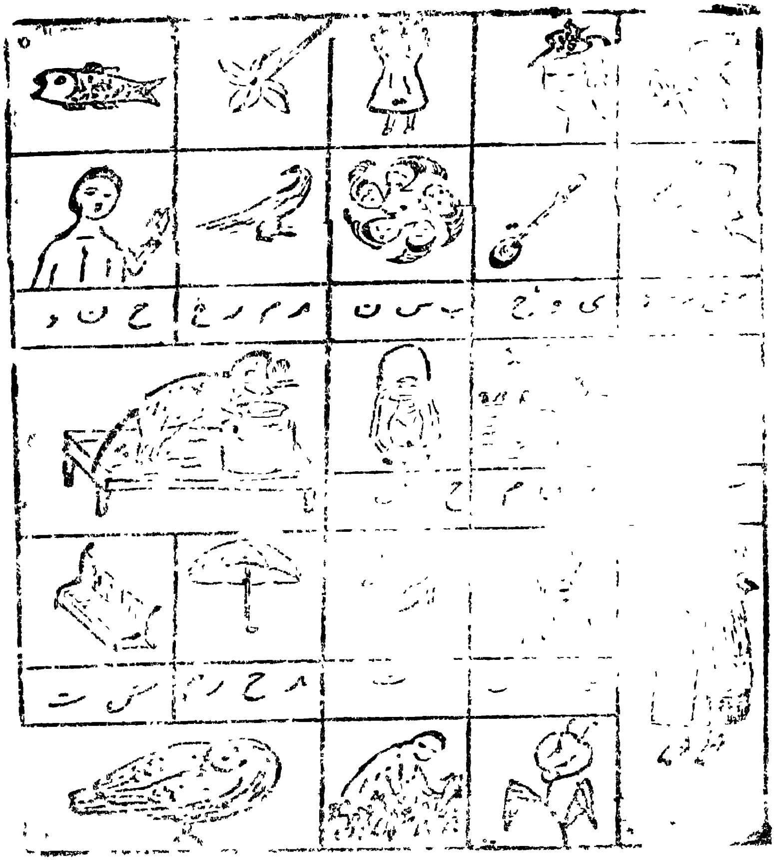
✿ ✿ ✿

پروانه خوشرنگ   چابك و زرنگ
می کند بازی   می پرد قشنگ
او در گلستان   من در دبستان

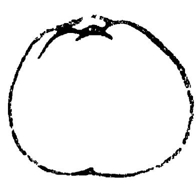
✿ ✿ ✿

گل باشد اگر   خوشرنك و خوشبو
من هستم اما   خوشروی و خوشخو
او در گلستان   من در دبستان

شکلهـای مرموز



نقاشی ــ ۱ ــ از روی این شکل بکشید و رنگ آمیزی کنید



۲ ـ از روی شکلهای بالا هر کدام را دوست دارید بکشید



دختر مهربان

منیژه دختر مهربانی بود همه او را دوست می داشتند
روزی با مادر خود بخانهٔ عمویش رفت
عمویش پنج سیب باو داد سه تا از سیبها را
خورد و دو تا را هم در دستمالی گذاشت
مادرش پرسید چرا این سیبها را نخوردی ؟
گفت می‌خواهم برای برادر کوچکم ببرم.

جایزه

خسرو روزی در کلاس با خوشحالی بسیار یك جعبه مداد رنگین بهمشاگردان خود نشان داد و گفت این جعبه را دیشب پدرم بمن جایزه داده است ببینید :

این مداد زرد است   این قرمز است
این سفید است این سیاه است این نارنجی است
این بنفش است این آبی است این قهوه یی است
آن سبز است این خاکستری . (۱)

یکی از همشاگردان پرسید برای چه این جایزه را بتو دادند گفت برای اینکه شکل خوبی کشیده بودم .

پرسش — خسرو چرا خوشحال بود ، ـ چرا پدرش باو جایزه داده بود ، ـ شاگرد چه کارها بکند باو جایزه می‌دهند ، ـ همه مداد های خسرو چند تا بود ؟ ـ بشمارید و جواب بدهید ؟ ـ رنگ مداد ها را بگویید

---

(۱) پیش از درس رنگهای مزبور تهیه و بکودکان نشان داده شود

جواب بدون فکر

روزی آموزگار شاگردان کلاس خود را امتحان میکرد.

اول از پرویز پرسید از جانورانی که در خانه ها زندگی میکنند و علف میخورند کدامها را می‌شناسی؟

پرویز کمی فکر کرد و گفت:

من اسب و خر و گاو و بز را می‌شناسم

بعد از اردشیر پرسید تو از حیوانهایی که در خانه زندگی می کنند و گوشت می خورند کدامها را می شناسی؟

او هم قدری فکر کرد و گفت:

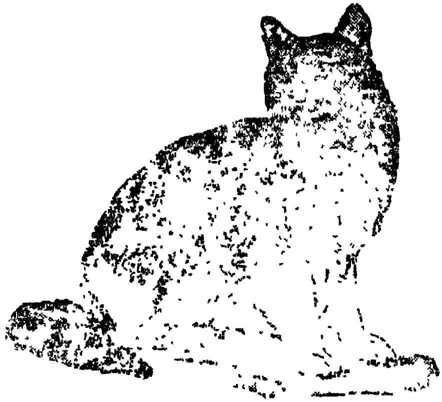
من سگ و گربه را می‌شناسم:

آموزگار بهردو آفرین گفت که خوب جواب دادید.

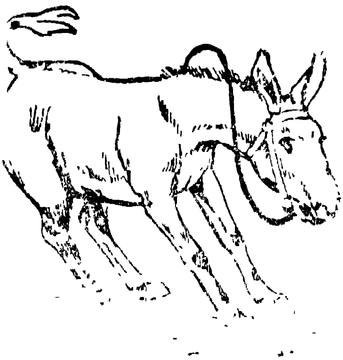
سپس از شاپور پرسید تو از مرغهای خانگی کدامها را میشناسی؟

گفت پرستو و گنجشك و کلاغ.

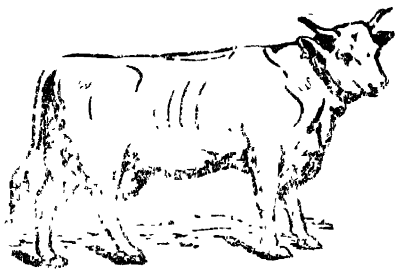
از این جواب بچه ها همه خندیدند.



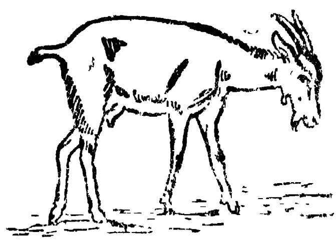
١



٢



٣



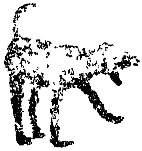
۴



۵



٦



٧



٨

آیا این جانوران را می‌شناسید ؟

گل کاغذی

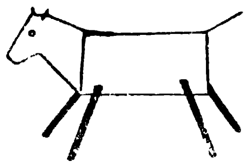
از کاغذ دیدم گلی　　سر دخت شنگلی
آمد از آن شگفتم　　با گل کاغذ گفتم
کارت عجب گرفته　　مانند گل شکفته
جا داده بر روی سر　　تو را این زیبادختر
اینجای جای تو نیست　　اینجا برای تو نیست

آن کاغذی گل خندید
گفتا عجب مدارید

اگر چه گل نیستم　　من از زمین نرستم
ولی از آن نکویی　　که در گلها می جویی
نشانه یی در من است　　چنین گردم دست بدست
آیین خوبی این است　　در همه جا چنین است
شدم همرنگ گل من　　کردم اینجا نشیمن

پرسش — شکل اول (صفحه ٦٠) شکل چه حیوانی است؟ - شکل دوم شکل چه حیوانی است؟ - شکل چهارم؟ - شکل هفتم؟ - اسب و خر چه می خورند؟ سگ و گربه چه می خورند؟ - آیا گنجشک و کلاغ در خانه ها زندگی می کنند؟ - چه پرنده هایی در خانه زندگی می کنند؟ - چرا همه بچه ها از جواب شاپور خندیدند؟

نقاشی - از روی این شکل بکشید.





خروس

نکت قلم ای خروس   دمت علم ای خروس
ظهر نشد چه خوانی   تو دمبدم ای خروس
پرهایت رنگارنگ است خیلی خوب و قشنگ است
کج کج نگه میکنی   مگر خیالت جنگ است

عید نوروز

نوروز آمد [illegible] از این هوا [illegible]

درختان گل می دهند مرغان [illegible]

گله گله پرندهها روی [illegible]

گاهی [illegible] می [illegible] گاهی [illegible]

[illegible] چو پا [illegible] برا [illegible]

[illegible] پیشان [illegible]

دختران [illegible] در باغ [illegible]

شکوفهها [illegible] برزان [illegible]

[illegible] می کنم

دختر [illegible] بچه‌ها [illegible]

گنجشگان هم بر درخت می [illegible]

گویا بچه‌ها می [illegible]

حساب - تقسیم ۸ بر ۴



دستهٔ گل

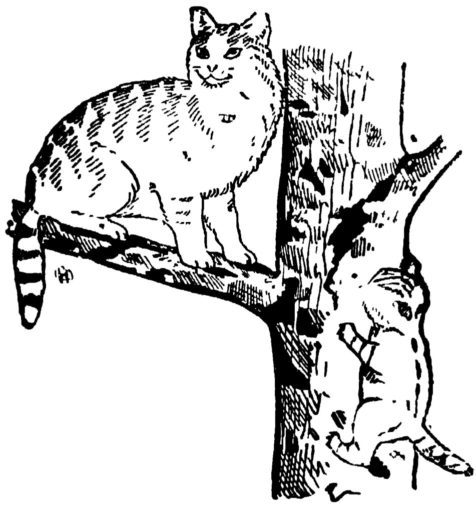
روز عید ارژنگ بباغچهٔ پدر خود رفت دو گل
سرخ سه گل بنفش چهار گل سفید و یک گل زرد
چید دستهٔ گل کوچکی درست کرد و برای عمه‌اش
برد و گفت عمّه جان چون امروز عید است این
دسته گل را خودم برای شما درست کردم و آورده‌ام
عمّه از مهربانی ارژنگ خوشحال شد او را در بغل
گرفت چشم و روی او را بوسید و یک جعبهٔ
شیرینی باو عیدی داد.

حساب : تقسیم ۸ بر ۲

تکلیف ـ این کلمه ها وجمله ها را چند بار بنویسید :

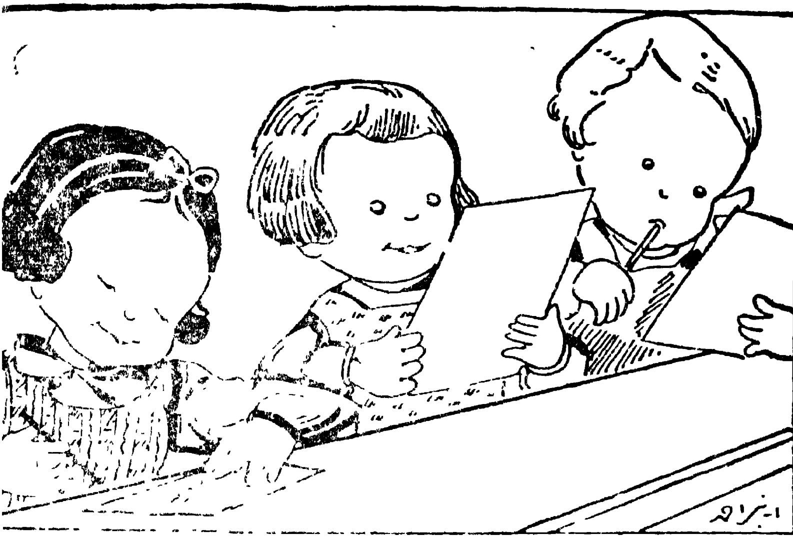
خواهر منیژه منوچهر مشغول نقاشی

بی سر و صدا خوش قسمت فندق



حرف زدن گربه

روزی پروین شادی کنان پیش مادرش دوید و گفت مادر مادر بچه گربه های من حرف زدن یاد گرفته اند مادر این گربه ها بالای درخت چنار بود و می خواست گنجشک شکار کند این بچه گربه مادرش را صدا



خواهرهای مهربان

روزی شیدا و خواهرش منیژه و برادرش منوچهر در خانه مشغول نقاشی و نوشتن بودند مادرشان که آنها را بی سر و صدا مشغول کار دید خیلی خوشش آمد و به هر یك پنج فندق داد.



چون منوچهر از همه کوچکتر بود منیژه یك فندق و شیدا دو فندق ازقسمت خود باو دادند.

- ٢ -

پیشی پیشی هاوسم   می خواهم ترا ببوسم
چه لوسی و چه لوسی   می خواهی مرا ببوسی

- ٣ -

پیشی پیشی قشنگم   چرا میزنی بچنگم
چه ناری و چه ناری   ناخن میکشی بازی

- ٤ -

پیشی حیا نداری   بدی وفا نداری
آخر ناخنم کشیدی   پیراهنم دریدی

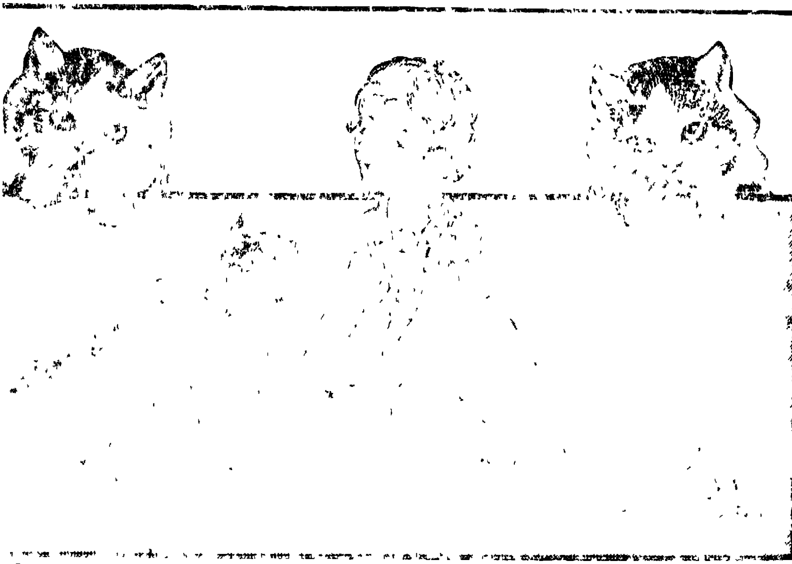
همراه خوب



روزی عنکبوتی در گوشه بیابانی نشسته بود موشی آمد و گفت خاله عنکبوت اینجا چکار میکنی ؟ گفت می خواهم بده بروم راه را

کرد گفت مو مو مو مادرش هم از بالای درخت گفت مو مو مو بچه گربه فوری فهمید که مادرش روی درخت چنار است رود دوید و پیش مادر خود رفت .

پیشی پیشی ملوسم



- ۱ -

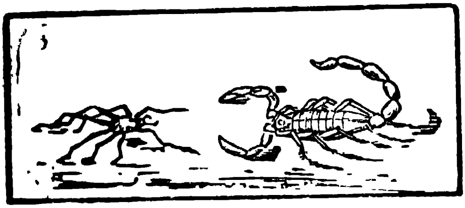
پیشی پیشی ملوسم بخواب توی دامانم
چه گرمی و چه گرمی همچو حریر نرمی



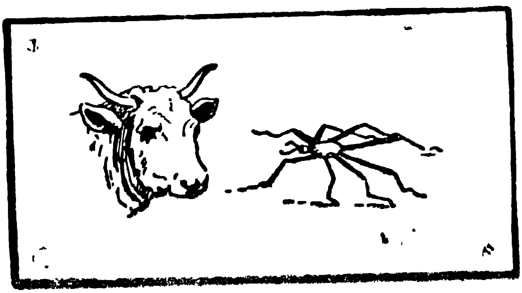
بیلچه و آب پاش

بیلچهٔ خوب دارم باغچهٔ خود می کارم
باغچه کاری قشنگ است گلهایم رنگارنگ است
با آب پاش قشنگم همیشه روی گلم
آب تازه می پاشم باندازه می پاشم
گلهایم میخورند آب تر و تازه و شاداب
هرزه گیاهی ببینم در دم آنرا می چینم
باغچه ام پر گل شود مسکن بلبل شود

نمی‌شناسم موش گفت اگر همراه من بیایی ترا
می برم گفت من باتو همراه نمی‌شوم چرا
که تو دزدی .



کژدمی آمد و
گفت همراه من بیا
عنکبوت گفت
برو برو توهم مردم را نیش میزنی واذیت میکنی.



در این وقت
گاوی رسید و
گفت اگر میل
داری من ترا بده
میرسانم عنکبوت زود بر پشت او سوار شده
و گفت من باتو همسفر میشوم برای آنکه نه دزدی
نه مردم آزار بلکه بمردم فایده هم میرسانی .

۱ ـ قصه عنکبوت و موش را بگویید .
۲ ـ قصهٔ عنکبوت و کژدم را بگویید .
۳ ـ قصهٔ عنکبوت و گاو را بگوید .

بوسهٔ مادر

شب بسر رسید   تابیده خورشید
خروسان خواندند   شب بسر رسید

* * *

کلاغی آمد   کرد قار و قار
قناری قشنگ   چتر زد و چرخید

* * *

مرغکی آن دم   جوجه های خود
از آمدن خور   شنید داد نوید

* * *

بلبل پیش گل   رفت و شعری خواند
بادی خوش وزید   غنچه یی خندید

* * *

چشمانم باز شد   مادرم دیدم
آن دم دل من   از شادی طپید

* * *

خود را رساندم   من بغل او
او مرا بوسید   در بغل کشید



جوجه

[illegible] جوجه را گر [illegible] [illegible] پوسیده کنم

جوجه جوجه [illegible] کت سرخ و طلایی

[illegible]

[illegible]

[illegible] داشتی [illegible] داشت

[illegible] [illegible] آورد و [illegible]

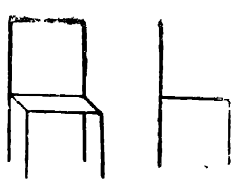
[illegible] ان مثل رستم پهلوان

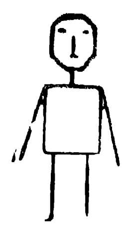
[illegible] ستم زود بیرون جستم

حساب – تقسیم به ۲ (نصف)

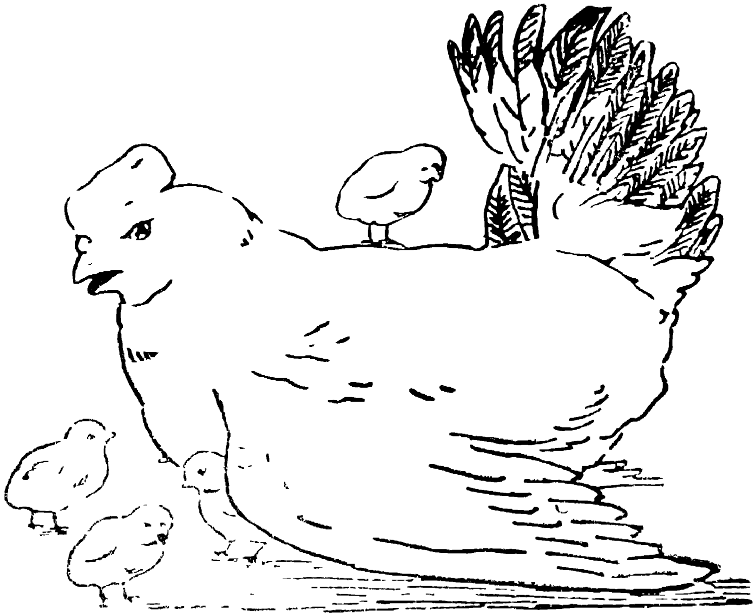
باقی جوجه ها بیرون آمده و زیر بال مادرشان گرد آمده اند . رستم بسکه از جوجه ها خوشش آمد دست برد یکی را بگیرد مادر جوجه ها باو نوک زد رستم از ترس فریادی کشید و فرار کرد .

نقاشی ـ از روی این شکلها بکشید :





حساب ـ تقسیم بدو قسمت غیر متساوی .



مهر مادر

مادر رستم نه دانه تخم زیر مرغ گذاشته بود تا جوجه بشود
رستم هر روز بمرغ سرکشی میکرد میخواست ببیند جوجه
چگونه از تخم بیرون می آید یک روز دید سه تا از تخمها شکسته
و سر سه جوجه از آن بیرون آمده است روز بعد نیز

آهنگ وزیری



سرود

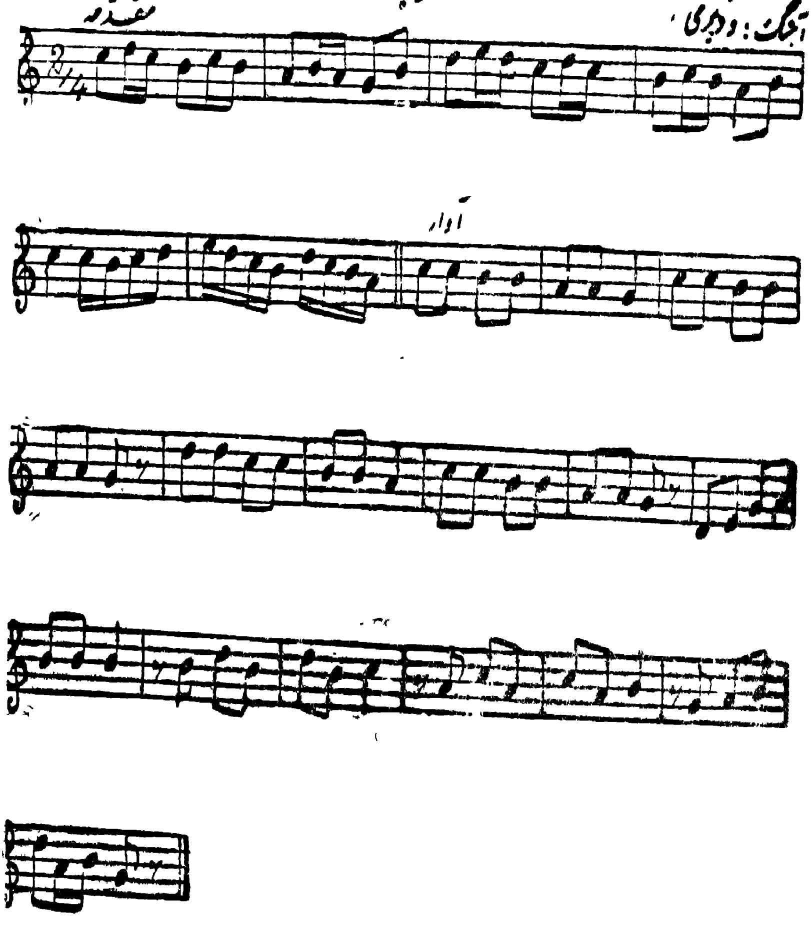
بازی

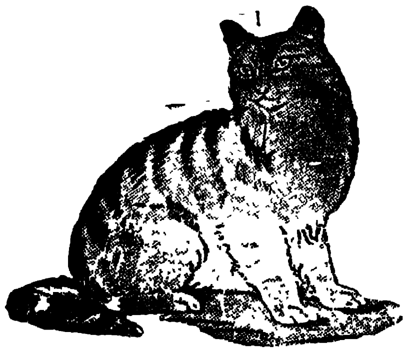
اکنون هنگام شادی است   اکنون وقت آزادی است
این ساعت هم پایان یافت   باید ببازی شتافت
بیا صفی ببندیم   بگوییم و بخندیم
تا صدا کند زنگ   دنگ دنگ دنگ دنگ دنگ

*

چون بیرون شد خستگی   باید با آهستگی
شادی کنان بی هراس   برویم بسوی کلاس
در جای خود نشینیم   تا تخته را ببینیم
تا آید این آهنگ   دنگ دنگ دنگ دنگ دنگ

گریه





گربه

پیش پیش گربه قشنگم ناز ناز مست و ملنگم
بهر ناهارت امروز موشی آمد بچنگم

بیچاره موش بدبخت

بی خبر از دامی بهر یک بادامی
یکسر اندر تله رفت



قورباغه و لکلک

روزی دو قورباغه کوچك باهم مگس شکار می کردند و هر کدام در مدت کمی چهار مگس شکار کردند و بخود گفتند راستی ما خیلی زرنگ و چابکیم که در زمین نشسته ایم و پرندگان هوا را شکار میکنیم لکلکی که درهوا می پرید گفتگوی آنها را شنید ازبالا فرود آمد و هردو را شکار کردو بهوابلندشد و گفت هر پرنده یی شکار قورباغه نیست.

پرسش – قورباغه ها چه شکار می کردند ؟ – با خود چه گفتند ؟ کی حرف آنها را شنید ؟ – بعد لك لك چه کرد ؟ و بقورباغه ها چه گفت ؟ هر کدام ازقورباغه‌ها چند مگس شکار کرد؟ – هردو باهم چند مگس شکار کردند ؟